

بررسی تحلیلی مدح و ذم (ستایش و نکوهش) شادی و نشاط در آموزه‌های اسلامی

دکتر مهریار شبابی^{۱*}

۱. عضو هیئت‌علمی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و سوم، شهریورماه ۱۳۹۷، صفحات ۷۰-۵۵

چکیده

شادمانی و نشاط به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر، به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک‌کلام مجموعه زندگی انسان دارد، همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. نگاه اجمالی به آموزه‌های اسلام بیانگر این مطلب است که دین اسلام هم به نیازهای روحی و هم به نیازهای جسمی انسان توجه داشته و به‌خصوص از طرح موضوع شادی و نشاط غافل نبوده‌اند. وجود آیات متعدد در قرآن کریم، آیات، روایات و سیره معصومین (ع) حاکی از اهمیت این موضوع در آموزه‌های اسلامی است. مقاله حاضر تلاش دارد با روش ترکیب متمرکز، شادی و نشاط را از منظر قرآن و روایات موردبررسی قرار دهد. کلمات کلیدی: شادی، نشاط، مدح، ذم، آموزه‌های اسلام.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره سوم، شماره بیست و سوم، شهریورماه ۱۳۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
دانشگاه علامه طباطبائی
مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری

مقدمه

یکی از نیازهای انسان در زندگی داشتن شادی است. انسانی که شادی نداشته باشد در انجام کارهای خود دچار مشکل می‌شود. شادی یک نیروی مضاعف درونی است که انسان را در انجام دادن فعالیت‌هایش کمک می‌کند و سبب می‌شود که بانشاط بیشتر به موفقیت برسد. انسان‌هایی که شادترند از نظر روحی و جسمی هم سالم‌تر هستند، یعنی شادی در سیستم بدنی افراد تأثیر دارد و سبب می‌شود که اعضای بدن بهتر به فعالیت خود برسند. در آموزه‌های دینی نیز به جایگاه و اهمیت شادی در زندگی افراد و عوامل و آثار آن توجه ویژه‌ای شده است. بر این اساس مسئله اصلی این پژوهش بررسی مدح و ذم شادی و نشاط در آموزه‌های اسلامی است که با رویکردی نظری و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

ضرورت بحث از شادی

خداوند متعال روح انسان را دارای حالت‌های مختلف آفریده است. نیاز به شادی و نشاط از مهم‌ترین ویژگی‌های روحی و فطری او است. لذا انسان‌ها به دنبال راهی می‌گردند تا به این نیاز خود پاسخ گویند. در جهان امروز هم به توجه به اینکه پیشرفت فناوری و صنعت انسان‌ها را از طبیعت و فطرت خود دور کرده و گرفتاری‌های زندگی ماشینی مخصوصاً در شهرهای بزرگ انسان‌ها را دچار ملال خاطر کرده و سیر صعودی بیماری‌های روحی و روانی را برای بشر به دنبال داشته، نیاز انسان‌ها به شادی بیش‌ازپیش نمایان است. حال انسان‌ها در رفع این نیاز به چندگونه تقسیم می‌شوند: عده‌ای که مقید به دین آئینی نیستند به هر راهی متوسل شده‌اند تا خود را شاد کنند که نتیجه آن استفاده از قرص‌های شادی‌زا و مواد مخدر و روان‌گردان و غیره است که دامن جوامع غربی و برخی جوامع اسلامی من جمله ایران را گرفته است، اما عده‌ای بنا بر عقاید مذهبی و دینی خود حاضر نیستند از هر راهی استفاده کنند. اسلام که کامل‌ترین دین است به این مقوله توجه داشته است. در آیات، روایات و سیره معصومین (ع) به این بحث پرداخته شده است. مثلاً در آیه ۵۸ سوره یونس می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»: «بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که از آنچه گردآوری کرده‌اند بهتر است» و یا در روایات آمده که حضرت رسول (ص) با مردم شوخی و مزاح می‌فرمودند. مثلاً شوخی حضرت با پیرزنی که نزد ایشان آمده بود و فرمودند پیرزنان به بهشت نمی‌روند. آن پیرزن ناراحت و گریان شد. بعد حضرت فرمودند: جوان می‌شود و وارد بهشت می‌شود و یا قضیه خرما خوردن حضرت با حضرت امیر (ع) و یا روایات متعددی که در مورد مطلوبیت شادی آمده و شادی را از ویژگی‌های مؤمن ذکر کرده است. مثلاً در وسائل‌الشیعه به

نقل از کافی آمده است: «ما من مؤمن الا وفيه دعابه...»: «هیچ مؤمنی نیست مگر این که در او شوخی وجود دارد» (حر عاملی، ۱۳۶۷ ش)؛ و یا روایات ادخال سرور در قلب مؤمن که حضرت رسول (ص) می فرمایند: «من سر مؤمننا فقد سرنی و من سرنی فقد سر الله عزوجل»: «هرکس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند خداوند عزوجل را شاد کرده است» (حر عاملی، ۱۳۶۷) و غیره. حال با این وجود همه روایات و آیات باز جای تعجب است که عده ای دین اسلام را دین غم معرفی می کنند. اسلام دین شادی است اما برای شادی حدود و ضوابطی قائل شده است. مثلاً حضرت رسول (ص) می فرمایند: «انی لامزح و لا اقول الا حقاً»: «من شوخی می کنم ولی جز حق چیزی نمی گویم» (حر عاملی، ۱۳۶۷ ش). ما وقتی به قرآن و روایاتی که در مورد شادی آمده مراجعه می کنیم می بینیم که از مطلوبیت شاد بودن و شادی ایجاد کردن صحبت می کنند اما معلوم نیست که این شادی که مدنظر است چه ماهیتی دارد. آیا شادی به همین معنی عرفی که ما امروزه از این کلمه می فهمیم است و با روش هایی چون شوخی و جک و لطیفه و طنز و احیاناً برای عده ای از طریق غنا و سایر راه های حرام ایجاد می شود است یا در لسان منابع دینی شادی چیزی بالاتر و مفهومی والاتر دارد؟

مفهوم شناسی شادی

شادی مفهومی است کلی که طیف وسیعی از مفاهیم را در برمی گیرد. در زبان فارسی شادی، شادمانی، سرور، فرح، نشاط و بهجت به یک معنا آمده است و شادمان، شادکام و شادمند به کسی می گویند که خوشنود، خوشحال و خرم باشد و واژه بشاش هم بی معنی شادمان و شاد و خرم، علاوه بر خنده رو و خوش رو معنی شده است (عمید، ۲۵۳۶). همچنین سرور بی معنی اطراف شاخه های ریحان نیز آمده است (مهبیار، بی تا).

شادی و نشاط در اسلام

اسلام دین طبیعت و فطرت انسان است و در نگاهی فراگیر همه نیازهای طبیعی انسان را در نظر گرفته و بر پایه مصالح و سود و زیان انسان، به آن ها پاسخ مناسب می دهد. اسلام تنها مکتبی است که منحصر به زمان، مکان خاصی نیست و قوانین و مقررات آن برای یک دوره ی خاص نیامده، بلکه دین جاودانه ای است که برای همه ی نسل ها در سراسر جهان، برنامه ی زندگی سعادت مندانه ارائه می دهد و از چنان جامعیت و غنائی برخوردار است که به همه ی نیازهای روحی و جسمی و همه ی دغدغه های انسان توجه کرده است. پیشوایان دینی با داشتن پشتوانه ی عظیم وحی، قرآن کریم در طول حیات پربرکت خود گنجینه ی گران بهایی از معارف

بر جای گذاشته‌اند که پاسخگوی تمام موضوعاتی که در زندگی انسان رخ می‌نماید، می‌باشد. اصولاً شادی و نشاط یکی از نیازهای طبیعی بشر است و یک نظام اجتماعی و مکتب زندگی باید برای ارضای این خواسته طبیعی فکر کند. دین اسلام که به همه‌ی شئون حیاتی انسان ژرف نگرینسته و متناسب با نیازهای واقعی او و برای تعالی هرچه بیشتر او برنامه‌هایی ارائه کرده است، شادی و نشاط و عوامل نشاط‌انگیز را که لازمه‌ی یک زندگی موفق است به انسان معرفی و توصیه می‌کند (دانش، ۱۳۸۴).

در دستوره‌های آسمانی اسلام، نکته‌های ارزشمندی در خصوص ایجاد شادی و نشاط آمده است. این شادی‌ها گاهی برای خود آدمی است و زمانی برای دیگران. آن‌همه ثواب که برای تبسم به روی دیگران ذکر شده و سفارش‌هایی که برای پوشیدن لباس‌های شاد و روشن، بوی خوش، نظافت و نظم و پاکیزگی، مسافرت و تفریح، حضور در طبیعت و نگرستن به سبزه و آب، مهربانی و محبت، زدودن کینه و حسد، شوخی و مزاح و خلاصه ادخال سرور در قلب مردم شده است، همه برای ایجاد فضای شادی و راندن غم و اندوه و در نتیجه تجدیدقوا برای ادامه‌ی حرکت تکاملی است (طریقه دار، ۱۳۸۳). قرآن کریم به کرات شادی را به صورت مثبت مورد توجه قرار داده است و مؤمنان را به خوش‌حالی و شادمانی دعوت می‌کند. اسلام با توجه به نیازهای اساسی انسان، شادی و نشاط را تحسین و تأیید کرده است. قرآن، زندگی بانشاط و شادی را نعمت و رحمت خدا تلقی فرموده و زندگی توأم با گریه و زاری و ناله را خلاف رحمت و نعمت خداوند دانسته است. در یکی از داستان‌های صدر اسلام آمده است: روزی رسول خدا (ص) دستور صادر کرد که باید تمام نیروهای قابل برای شرکت در مبارزه علیه کافران و مشرکان بسیج شوند. عده‌ای با بهانه‌های مختلف از شرکت در این لشکرکشی خودداری و از فرمان خدا و پیامبر (ص) تخلف کردند. خداوند در قرآن می‌فرماید: « لعنت خدا بادبر این کسانی که دیدند پیغمبر با انبوه مسلمانان به میدان نبرد می‌روند؛ اما بازهم زندگی دوستی، آن‌ها را وادار کرد از فرمان خدا و رسول امر تخلف کنند و بمانند. لعنت خدا بر آن‌ها باد و محروم باد این گروه از رحمت حق (توبه، آیه ۸۱). به دنبال آن، به عنوان یک نفرین می‌گوید « فلیضحوا قليلا و لیبکوا کثیرا »؛ « این گروه نافرمان { از این پس کم بخندند و زیاد بگریند ». روشن است که نفرین به صورت کیفر و مجازاتی است که همواره برخلاف طبیعت و فطرت آدمی او را دچار عذاب و رنج می‌سازد. اینکه خداوند آرزوی کم خندیدن و زیاد گریستن برای نافرمانان می‌کند، حکایت از این حقیقت دارد که خنده به عنوان یکی از عوامل نشاط، امر طبیعی و فطری است و او می‌خواهد به عنوان کیفر، نافرمانان از این نعمت محروم باشند. خداوند تفریح و شادی را فی‌نفسه تأیید فرموده و اساساً خلقت هستی و انسان را به گونه‌ای قرار داده که خودبه‌خود، شادی‌هایی را برای آدمی فراهم می‌آورد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مظهر انسان کامل بود، قرآن کریم، پیامبر اسلام را به "خُلِقَ عظیم" یاد نموده و در سیره آن حضرت آمده است "گشاده رو بود و همیشه تبسم بر لب داشت" (طباطبایی، ۱۳۶۴). شادی در چهره اش نمایان بود، هنگامی که از چیزی خوشحال می شد، می فرمود "الحمد لله علی هذه النعمه"؛ حمد و سپاس خدا بر این نعمت؛ و زمانی که غمگین می شد، می فرمود "الحمد لله علی کل حال"؛ حمد مخصوص خداوند است در هر حال (طباطبایی، ۱۳۸۵). از جمله حدیث زیبایی که از رسول اکرم (ص) نقل است که فرمود: «ان فی الجنة دارا يقال له دارالفرح، لا یدخلها الا من فرح الصبیان» در بهشت جایی است که به آن خانه شادی گفته می شود، هیچ کس به آن خانه وارد نمی شود مگر آن که موجب شادی کودکان شده باشد. در جایی دیگر باز از رسول اکرم (ص) نقل شده است که «ان فی الجنة دارا يقال له دارالفرح، لا یدخلها الا من فرح یتامی المومنین». آن چه از این احادیث برداشت می شود، این است که بین شاد کردن مومن و پاداش بهشت رابطه معنی داری وجود دارد و خداوند برای کسانی که موجبات فرح و شادی بندگان را فراهم می آورند، امتیاز ویژه ای قایل است (کریمی، ۱۳۸۰). هم چنان که از حضرت علی (ع) روایت شده که "السرور، بیسط النفس و یشیر النشاط" (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲). شادمانی، موجب انبساط روح و مایه وجد و نشاط می شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود "من ادخل عی مومن فرحا؛ فقد ادخل علی فرحا" (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲).

در سیره معصومان (ع) عنصر شادی و نشاط آن چنان اهمیت دارد که علاوه بر تأیید و بستر سازی، زمینه سازی و ایجاد آن نیز توصیه شده است (کلینی، ۱۳۷۵). پاره ای از احادیث، علاوه بر دستورهای کلی درباره اهمیت شادی و نشاط، دستورالعمل های خاصی نیز برای پرورش این حالت مانند پیاده روی، سوارکاری، شنا در آب، نگاه کردن به سبزه ها، خوردن و نوشیدن، مسواک زدن، شوخی، خنده و... (حرعاملی، ۱۴۲۲؛ مجلسی، ۱۳۸۶) بیان می دارند؛ بنابراین چون دین منبع لایزال حیات سرچشمه می گیرد، پیام آن هم حیات واقعی است و تمام هستی از منظر دین جنبش و حرکت و بالندگی است و این کاملاً با شادابی و نشاط نوع بشر سازگار است.

جایگاه شادی در قرآن

تأمین و تقویت سلامتی روانی افراد یکی از اصلی ترین دغدغه های متولیان تعلیم و تربیت بوده است و باید متذکر شد که قرآن کریم بر ضرورت فرحناک بودن و شاد بودن و اهریمنی بودن منشأ غم و اندوه داشتن تأکید آشکار دارد. دین منبع بی نظیر تأمین نشاط درونی و عامل اصلی معنا بخشی به زندگی انسان ها است. فرحناکی و قلب عاری از غم و اندوه داشتن و رهایی از چنگال دیو افسردگی یکی از بزرگ ترین و دل پذیرترین آرزوهای هر انسانی است.

برای بهره مندی از زندگی مطلوب هیچ اکسیری همچون شادمانی نیست. شادی قلب را آباد و ادامه رضایت مندانه حیات را میسر، لشکر غم را تار و مال و عمر آدمی را گوارا و شیرین می سازد. غم در اعمال و اعضای بدن تأثیر نامطلوب دارد و به تدریج انسان را ضعیف و ناتوان می کند و او را برای قبول امراض و بیماری های گوناگون آماده می سازد و قوای انسان را می فرساید و به تدریج ریشه حیات را می کند.

شادمانی و ابتهاج، جامه آن شادمانی است که ظاهر و باطن بنده را فرامی گیرد و سرور از فرح خالص تر است. چه بسا فرح با حزن و اندوه آمیخته است. برخلاف سرور که شادمانی خالص از هرگونه حزن و اندوه است. از این رو قرآن مجید واژه فر را در مورد شادمانی های دنیوی به کار برده است. واژه سرور در دو مورد درباره آخرت وارد شده است یکی در آیه ۱۱ از سوره انسان: "فوقیهم الله شر ذلک الیوم و لقیهم نصح و سرورا" و دیگری در سوره انشقاق آیه ۹: "و ینقلب الی اهله مسرورا". دینداران باید همواره هم خود و هم دیگران را شاد و خوشحال سازند و تسلیم غم و غصه نشوند و گرنه دل و جان را به تیغ غم سپردن و برای بندگان خدا تولید غم و اندوه کردن خلاف لوازم دین داری و پیروی از ابلیس است. از دیدگاه قرآن از جمله معیارهای شاد زیستن، پذیرش و درک واقعیت های جهان هستی است. انسان برای سالم زیستن و لذت بردن از زندگی باید قالب های تصنعی محیط خویش را شکسته و سازمان روانی خود را بر اساس واقعیت ها بنهد. شادمانی مطلوب قرآنی از مقامات پارسیان و دینداران راستین است. از تعبیری که در قرآن به معنای شادی به کار رفته می فرماید: "نصرا لنعیم مطففین / ۲۴" است یعنی در چهره ابرار و بهشتیان نشاط و شادمانی نمایان است. البته باید متوجه بود سرمستی از رضا به قضای الهی و تسلیم و انقیاد به بندگی حضرت پروردگار به دست می آید و محصول معرفت شهودی و رسیدن به مقامات پارسیان راستین است که به مرکز طرب و طلب وصل شده و هیچ عاملی نمی تواند

ایشان را متأثر کند. اینان به عالمی گام نهاده‌اند که محل غم نیست باغ سبز عشق است. لذا سعادت انسان در رسیدن او به این مرحله از شناخت است (خالدیان، ۱۳۸۵).

روش‌شناسی

این پژوهش ترکیبی مشتمل بر مطالعات نظری و اسنادی، پژوهش کیفی، پژوهش در گروه‌های کانونی و در نهایت، تأکید بر سیاست‌گذاری اجتماعی و کاربردی بوده است. پژوهش متعهد به تحلیلی تمام شمار از یافته‌های مطالعات موجود اعم از تحقیقات پیمایشی و غیرپیمایشی انجام شده در سطح جهانی و در مناطق مختلف کشور بوده است. از آنجا که در این پژوهش هدف عرصه یافته‌ها و تحلیل شرایط به گونه‌ای است که بتواند در خدمت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باشد، رویکرد محوری، سیاست‌پژوهی یا تصمیم‌پژوهی است. منظور، طرح موضوع، ابعاد و یافته‌های آن به گونه‌ای عینی و کاربردی است که برای برنامه‌ریزان قابل بهره‌برداری باشد و از آن در تصمیم‌گیری‌های اداری و اجرایی خود استفاده کنند. با توجه به این گفته‌ها، نامی دیگر فراتر از روش‌های موجود برای روش مطالعه بیان شده که این روش ترکیب متمرکز است. دلیل طرح و انتخاب این روش، تعداد منابع اطلاعات و نوع داده‌های قابل اکتساب بوده است. در روش ترکیب متمرکز، هدف اساسی، تلفیق اطلاعات از منابع متعدد و متنوع در خدمت تحلیل موضوع واحد است.

دیدگاه اسلام درباره شادمانی و خنده: نگاهی گذرا و سطحی در متون اسلامی نشان می‌دهد که اسلام نظرات متفاوت و گاه متناقض در مورد خنده و شادمانی دارد. در بعضی از روایات خنده و شوخی و شادمانی شدیداً نکوهش شده و در بعضی دیگر این صفات ستایش بسیار و حتی تشویق شده است. همین امر است که انتقادهایی را از طرف کسانی که عمیقاً در مورد نظرات اسلام تفکر نمی‌کنند در برداشته است (لقمانی، ۱۳۸۰). در اینجا به هر دودسته آیات اشاره می‌کنیم سپس به تحلیل مجموعه نظرات و سخنان می‌پردازیم.

الف) نکوهش شادمانی و جلوه‌های آن در روایات: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به‌امام‌علی‌علیه‌السلام صراحتاً می‌فرمایند: «یا علی لا تمزح فیذهب بهاءک» علی جان شوخی مکن زیرا آبرو و ارزش و عظمت تو زایل می‌شود (مجلسی، ۱۹۸۳ م). یا در روایتی دیگر امام علی علیه‌السلام تمام شادی‌ها را ناپایدار و ناقص معرفی کرده و دنیا را سرایی به دور از شادمانی واقعی می‌شمرد؛ جهانی که ظاهر آن آراسته و همراه با خوشبختی و خرسندی است اما باطن و درون آن غرور و فریب‌نهفته است (رازی، ۱۳۷۵).

ایشان در جایی دیگر شادی های امروز و سرور دنیوی را دامهای پنهان از سوی شیطان و هواهای نفسانی دانسته که خودبینی، کبر و غرور به همراه دارد و یکایک ابزار و وسایل آغشته به این اندیشه ی شیطانی را پرتگاه هلاکت بار و شیون ساز در روز واپسین معرفی می کند (آمدی، ۱۳۷۵).

ب) روایات ستایش کننده ی شادمانی: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: مؤمن، شوخ و زنده دل است و منافق، سخت و غضبناک (مجلسی، ۱۹۸۳ م). یا می فرماید: همانا من شوخی می کنم و اهل مزاح هستم اما حرف باطل و بیهوده نمی گویم (ابن ابی الحدید، بی تا) امام صادق (علیه السلام) می فرماید: به درستی که مزاح بودن و شوخ طبعی از حسن خلق است. همانا بدین وسیله شادی و سرور در قلب برادر خود داخل می کنید. همان گونه که رسول خدا اهل شوخی و مزاح بود تا سرور و شادی در قلب اصحاب وارد کند. در بسیاری از روایات شاد کردن فرد مؤمن بسیار مورد ستایش قرار گرفته و محبوب ترین اعمال نزد خداوند یا با فضیلت ترین کارها و بزرگ ترین کارها شمرده شده است: «احب الاعمال الی الله سرور تدخلة علی المؤمن» (راوندی کاشانی، ۱۳۷۶) در جای دیگر مزاح و شوخی دین باوران و خداجویان «عبادت» و خنده آنان «تسبیح الهی» بیان گردیده است (همدانی عاملی، ۱۴۰۳ ق)

اما بالاخره اسلام شادی، تفریح، شوخی و کلا شادمانی را قبول دارد یا نه؟ این یک سؤال بسیار کلیدی است. با توجه به آیات و روایاتی که تا اینجا مطرح شد می توان به این نتیجه رسید که شادی از نظر دین مبین اسلام ماهیت های متفاوتی دارد و بسته به ماهیت آن مورد ستایش یا نکوهش قرار گرفته است.

انواع شادی در قرآن کریم تجزیه و تحلیل آیات قرآن کریم بیانگر آن است که دو نوع شادی در دین مبین اسلام مشهود است: شادی های پسندیده و شادی های ناپسند که در ادامه به تفصیل خواهد آمد.

شادی های ممدوح و پسندیده

در قرآن کریم موارد متعددی به عنوان شادی های ممدوح و پسندیده مطرح شده است که به شرح زیر می باشند:

شادی از فضل و رحمت الهی: شادی و خوشحالی از داشتن دارایی و ثروت های مادی، بزرگی پست و مقام، وسعت قوم و قبیله و بسیاری از موهبات مادی دیگر جز اینکه در نهایت به غرور کاذب منتهی شود، نمی تواند انسان را برای همیشه شاد و خوشحال نگه دارد، لذا برای جاودانه کردن شادی و نشاط می بایست به سراغ مواردی دیگر رفت.

خداوند متعال در سوره یونس ابتدا به بیان برخی از ویژگی‌های قرآن کریم مانند؛ وسیله هدایت بودن، رحمت بودن، موعظه بودن و شفای سینه‌ها اشاره می‌کند و در ادامه می‌فرماید که مؤمنان باید به چیزی شادمان باشند که این چهار ویژگی را دارا باشد که آن نیز فضل و رحمت خداوند است: «یأیها الناس قد جاء تکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمۃ للمؤمنین. قل بفضل الله و برحمته فبذالک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون» (یونس: ۵۷-۵۸)؛ ای مردم، اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آنچه در سینه هاست و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان. بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که از آنچه گردآوری کرده اند، بهتر است.

شادی بواسطه نزول قرآن: نزول قرآن نه تنها برای مسلمانان مؤمن مایه شادی و نشاط است، بلکه مؤمنین اهل کتاب نیز که به کتب آسمانی خویش ایمان داشتند، از نزول قرآن و ارسال پیامبر خاتم (ص) خوشحال و شاد بودند، چرا که قرآن را تتمه کتب آسمانی خویش می‌دیدند. این مطلب صراحتاً در قرآن کریم اشاره شده است: «و الذین ءاتیناهم الکتاب یفرحون بما أنزل إلیک...» (رعد: ۳۶)؛ و آنها که کتاب آسمانی در اختیارشان قرار داده ایم، از آنچه بر تو نازل شده خوشحالند.

این افراد پس از نزول قرآن مجید بدان ایمان آوردند لکن در این میان افرادی نیز وجود داشتند که بر اثر عناد و تکبری که داشتند، کفر ورزیده و همچنان راه پدران خویش را ادامه دادند.

شادی مؤمنان به نصر الهی: از آیات قرآن کریم این گونه برداشت می‌شود که مؤمنان مورد تأیید و نصرت خداوند بوده و در مواقع سختی و گرفتاری امداد می‌شوند. این امداد الهی قطعاً موجبات خشنودی و شادی آنان را فراهم می‌آورد چنانکه در قرآن مجید آمده است: «یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم» (روم: ۴-۵)؛ در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد به سبب یاری پروردگار. خدا هرکس را بخواهد نصرت می‌دهد و او حکیم و عزیز است.

این آیه نشان می‌دهد از جمله وظایف مسلمانان آن است که هر جا بشنوند مسلمانان، موحدان و خداشناسان، پیروز شده اند، خوشحال شوند. اینکه قرآن می‌فرماید همین که موحدی بر غیر موحد پیروز شد، مؤمنان خوشحال می‌شوند، معلوم می‌شود قرآن ما را به داشتن نشاط در پیروزی توحید فرا می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۲).

شادی بهشتیان از نعمت های بهشتی: قرآن درباره سرور و نشاط مؤمنان در بهشت می‌فرماید: «وقاهم الله شر ذلک الیوم و لقاہم نضره و سرور» (انسان: ۱۱)؛ خداوند آنها را از شر آن روز ننگه می‌دارد و از آنها استقبال می‌کند، در حالیکه شادمان و مسرورند؛

زیرا اینان کسانی هستند که در مدار اصلی آفرینش، در همان مداری که خداوند برای انسان، سرمایه ها و نیروهای او تعیین کرده، حرکت می‌کنند و تلاش و کوشش آنها همواره برای خدا و بسوی خداوند است. این نوع شادمانی با عنوان «شادی در قیامت» نیز خوانده شده است (اکبری، ۱۳۸۵؛ سماک امانی، ۱۳۸۵).

شادی های ناپسند و مذموم

برخی شادی‌هایی که باهدف تکاملی و غایت خلقت انسان سنخیت ندارد و یا با گناه، لهو و لعب، اتلاف وقت، هیجان کاذب، اذیت و آزار دیگران توأم است از نظر شرع مقدس مذموم و ناپسند می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه فرموده‌اند: «شادی سه مرز دارد: وفاداری، رعایت حقوق مردم و هشیاری در سخن» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱)؛ بنابراین شادی باید بر اساس ارزش‌ها و اهداف مقدس باشد. در ادامه به مواردی از شادی که از نظر قرآن کریم مذموم و ناپسند است، در ذیل اشاره می‌شود:

شادی مغرورانه: از میان آیاتی که به برخی شادی‌های ناپسند اشاره می‌کند، بیشترین حجم به شادی‌هایی تعلق می‌گیرد که از سر غرور و خودخواهی به وجود آمده است. از جمله این آیات می‌توان به ماجرای قارون اشاره کرد. قارون مظهر ثروت در زمان حضرت موسی (ع) و از بستگان نزدیک او بود که معلومات و اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در خصوص کتاب مقدس تورات نیز داشت ولیکن غرور ناشی از ثروت او را به آغوش کفر کشید و به قعر زمین فرستاد.

قرآن کریم این داستان را این‌گونه تعریف می‌کند: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ فَاتِحَةً لِنُتُونَا بِالْعَصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قصص: ۷۹)؛ قارون از قوم موسی بود، اما بر آنها ستم کرد. ما آنقدر از گنج‌های مختلف به او داده بودیم که حمل صندوق‌های آن برای یک گروه زورمند مشکل بود. به خاطر بیاور هنگامی را که قومش به او گفتند: این همه شادی مغرورانه مکن که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.

برداشت کلی از این آیه آن است که خداوند شادی‌های برگرفته از غرور، تکبر و خودخواهی انسان را نمی‌پسندد و چنین انسان‌هایی نیز مورد لطف و رضایت خداوند نیستند. بعضی از انسان‌ها چنان کم ظرفیت هستند که اگر کوچک‌ترین نعمتی به آنها برسد، چنان گرفتار خودباختگی و غرور و تکبر می‌شوند که سر از پا نمی‌شناسند و چنان شادی و سرور بی حساب و فخر فروشی و غرور بی جا آنها را فرا می‌گیرد که حتی از شکر نعمت‌های پروردگار نیز غافل می‌شوند: «و لئن أذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السيات عنى انه لفرح فخور» (هود: ۱۰)؛ و اگر نعمتهایی پس از شدت و ناراحتی به او برسانیم می‌گوید مشکلات از من برطرف

شد و دیگر باز نخواهد گشت و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می شود. همچنین در سوره شوری نیز این حقیقت بازگو شده است که انسان‌های بی ایمان کم ظرفیت در مقابل الطاف الهی، گرفتار غرور و غفلت می شوند و ثرویشان آنها را از یاد خداوند غافل می کند: «و إنا إذا أذقنا الإنسان منا رحمه فرح بها...» (شوری: ۶۸)؛ و هنگامی که رحمتی از سوی خود به انسان می چشانیم مغرور و غافل می شود.

شادی تمسخر آمیز: یکی دیگر از مواردی که در قرآن کریم به عنوان شادی های مذموم و ناپسند معرفی شده، داستان دعوت موسی (ع) به سوی خداپرستی و نوع پاسخ های تمسخر آمیز فرعون در مقابل این دعوت است. خداوند متعال در این رابطه می فرماید: «و لقد أرسلنا موسى بآياتنا إلى فرعون و ملايه فقال إني رسول رب العالمين. فلما جاءهم بآياتنا إذا هم منها يضحكون» (زخرف: ۴۶-۶۷)؛ ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم (به آنها) گفت: من فرستاده پروردگار عالمیانم. ولی هنگامی که او آیات را برای آنها آورد از آن می خندیدند. در طول تاریخ نخستین برخورد همه طاغوت ها و جاهلان مستکبر در برابر رهبران راستین و انبیاء الهی، جدی نگرفتن دعوت آنها و با سخریه و مضحکه پاسخ دادن به آنها بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶).

البته این افراد تمسخر و استهزاء خود را یک نوع شوخی معرفی می کنند، درحالی که چنین شوخی هایی از نگاه قرآن مذموم و منفی است: «و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و تلعب قل أبالله و آیاته و رسوله كنتم تستهزون» (توبه: ۱۵)؛ و اگر از آنها پرسید (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید) می گویند ما بازی و شوخی می کردیم، بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کنید.

شادی توأم با هوس رانی و خوش گذرانی: قرآن کریم دنیا را به عنوان «بازیچه» معرفی می کند: «و ما الحیوة الدنیا إلا لعب و لهو» (انعام: ۳۲)؛ و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. از جمله نشانه های بازیچه بودن دنیا این است که اگر کسی به آن مبتلا شود، به آن عادت می کند و زمامش به دست دنیا می افتد، در نتیجه تا او را فرسوده و خسته نکند و از پای در نیاورد، رهاش نمی کند.

واژه «لعب» در اصل از «لعب» یعنی آب دهان است و علت تسمیه آن بدین جهت است که «لعب» به غیر جهت حق می رود، مثل آب دهان بچه (قرشی، ۱۳۷۱). کار لعب، یعنی کاری که هیچ نفعی بر آن نباشد و لهو نیز حسرت و ندامت در آخرت را در بر دارد (شرف الدین، ۱۹۲۰ ق)؛ و زندگی دنیایی نیز در صورتی که راهی برای درک سعادت آخرت نباشد، چیزی جز باطل و غرور نیست. در آیه فوق منظور از حیات دنیا، اعمال دنیاست زیرا خود دنیا بازیچه نیست، کارهایی هم که موجب خشنودی خداوند هستند،

بازیچه نیست. بلکه العب» کاری است که نفعی ندارد و «الهُو» کاری است که جنبه جدی به خود نگیرد و چنین کارهایی غیر از معصیت، چیز دیگری نیستند (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۸).

به همین دلیل خداوند در سوره نجم به آن دسته از انسان‌هایی که پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر برده و کار دنیا و دین را به بازیچه می‌گیرند و در افراط و تفریط به سر می‌برند، می‌فرماید: «و تضحکون و لاتبکون و أنتم سامدون» (نجم: ۹۰-۶۱)؛ و می‌خندید و نمی‌گریید و شما در غفلت هستید.

شادی به واسطه فرار از جنگ: خداوند متعال بارها در قرآن کریم فرموده است که ایمان انسانها در زمان‌های مختلف مورد امتحان قرار می‌گیرد تا بر خودشان ثابت شود که چگونه هستند: «أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمنا و هم لا یفتنون» (عنکبوت: ۱)؛ آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟

گاهی در طول زندگی اتفاقاتی برای انسان می‌افتد که باعث می‌شود آدمی چهره واقعی خود را نشان دهد. از جمله این اتفاقات و حوادث، حضور در جبهه‌های جنگ و جهاد فی سبیل الله است. در این میان انسان‌هایی که قبل از آن از دین، ایمان، اخلاق، اخلاص، فداکاری و شجاعت صحبت می‌کردند، به محض اینکه حکم جهاد صادر شود، تلاش می‌کنند تا حضور خود را در پشت جبهه توجیه کرده و بدین وسیله از حضور در میدان جنگ طفره ببرند. این افراد ممکن است چند صباحی از اینکه توانسته‌اند خود را از مرگ رهایی داده و به گونه‌ای دیگران را بفرینند، خوشحال باشند، لکن از این مطلب غافل هستند که خود را فریب داده‌اند، نه دیگران را خداوند متعال در قرآن کریم درباره این گونه افراد می‌فرماید: «قرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله و کرهوا أن یجاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله و قالوا لا تنفروا فی الحر قل نار جهنم أشد حرا لو کانوا یفقهون. قلبیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیرا جزاء بما کانوا یکسبون» (توبه: ۸۱-۸۲)؛ بر جای ماندگان، از به خانه نشستن خود پس از رسول خدا شادمان شدند و از این که با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، کراهت داشتند و گفتند: «در این گرما بیرون نروید». بگو اگر دریابند آتش جهنم سوزان تر است از این، پس کم بخندند و به جزای آنچه به دست آوردند بسیار بگریند.

شادی احزاب و گروه‌ها: یکی از نشانه‌های شرک و کفر، پراکندگی و تفرقه است، چرا که معبودهای مختلف، منشأ روش‌های متفاوت و سرچشمه جدایی‌ها و پراکندگی‌ها هستند. به خصوص این که شرک همواره توأم با هوای نفس و تعصب و کبر و خودخواهی و خودپسندی و مولود آنها است، لذا «اتحاد و وحدت جر در سایه خدا پرستی و عقل و تواضع و ایثار امکان‌پذیر

نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶). قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «من الذين ففوا دينهم و كانوا شيعه كل حزب بما لديهم فرحون» (روم: ۳۲)؛ و از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند، هر حزبی به آن چه پیش آنهاست دل خوش شدند. شادی به زشتی ها: دسته ای از انسان ها در مقابل اعمال زشتی که انجام می دهند نه تنها شرمنده نیستند، بلکه از اعمال زشت خود خوشحال بوده و به آن نیز مباحات می کنند و در ضمن دوست دارند که مورد تمجید و تشویق دیگران نیز قرار گیرند. قرآن کریم درباره چنین افرادی می گوید: «لا تحسبن الذين يفرحون بما أتوا و يحبون أن يحمدوا بما لم يفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب أليم» (آل عمران: ۱۸۸)؛ البته گمان مبر کسانی که به آن چه کرده اند شادمانی می کنند و دوست دارند به آن چه نکرده اند، مورد ستایش قرار گیرند، قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهد داشت (ا شرفی، براری، ۱۳۹۱).

انواع خنده در قرآن: ۱- خنده ی تمسخرآمیز که عمل بسیار زشتی شمرده شده و از جمله شادی های نکوهش شده است. «إن الذين أجرموا كانوا من الذين آمنوا يضحكون - وإذا مروا بهم يتغامزون - وإذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين - وإذا رأوهم قالوا إن هؤلاء لضالون - وما أرسلوا عليهم حافظين - فاليوم الذين آمنوا من الكفار يضحكون» همانا کافران به آن سبب که گنهگار بودند، به نیکان به خاطر ایمانشان می خندیدند- و چون بر آنها می گذشتند، با اشاره ی چشم و ابرو آنان را مسخره می کردند و چون نزد کسانی که باز می گشتند شادمان از آنچه کرده اند باز می گشتند- و چون مومنان را می دیدند می گفتند بی تردید اینان گمراهند و حال آن که آنان برای نهبانی مومنان فرستاده نشده بودند که درباره ی آنان داوری کنند و گمراهشان بخوانند پس امروز که روز جزاست مومنان به کافران می خندند. یا در سوره ی مومنون خداوند خطاب به مسخره کنندگان می فرماید: «فاتخذتموهم سخرياً حتى أنسوكم ذكري و كنتم منهم تضحكون - إني جزيتهم اليوم بما صبروا أنهم هم الفائزون» ولی شما آنان بندگان خوب من را به تمسخر گرفتید تا آن جا که تمسخرتان از مومنان شما را از یاد من به فراموشی انداخت و شما همواره به آنان می خندیدید من هم امروز که روز جزاست مومنان را به پاس اینکه در برابر ریشخند شما شکیبایی کردند و بر یاد من استوار بودند، پاداش دادم که تنها آنان سعادت مند باشند. ۲- خنده ی اهل بهشت و سعادت: «وجوه يومئذ مسفرة - ضاحكة مستبشرة» چون قیامت بر پاگردد، در آن روز چهره هایی تابانند- خندان و شادمانند.

عوامل شادی آفرین پسندیده: در ادامه انواع شادی هایی که اسلام از آنها به عنوان شادی خوب و یا شادی بد نام برده را ذکر می کنیم ۱- شاد کردن دل مومنان. ۲- توکل به خدا. ۳- زیبایی. ۴- همسر شایسته. ۵- زیارت ائمه علیهم السلام. ۶- عفو و گذشت. ۷- بخشندگی ۸- افطاری دادن. ۹- عبادت آخر شب. ۱۰- داشتن تفکر مثبت در زندگی راجع به دیگران. ۱۱- توجه به زمان حال. ۱۲- یقین. ۱۳- مشورت با خردمندان. ۱۴- گردش در زمین، ۱۵- ورزش. ۱۶- صله ی رحم و میهمانی کردن. ۱۷- ازدواج. ۱۸- شکر گزار بودن. ۱۹- راز داری (الکتابی، اعظم، ۱۳۹۶).

ویژگی های شادی های ناپسند: ۱- باعث محرومیت از آخرت می شود. ۲- فقط نفع مادی و این دنیایی دارد و برای آخرت فرد مضر است. ۳- شادی هنگام ناراحتی دیگران. ۴- خنده های بدون دلیل که باعث میراندن دل، محو شدن ایمان، از بین رفتن ابهت و از دست دادن دوستان می شود. ۵- دروغ گفتن برای شاد کردن دیگران. ۶- شاد شدن از ستایش دیگران در حق خود. ۷- شادی های همراه غفلت و سرگرمی های بیهوده (قدیری، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

با توجه به این آیات نورانی و روایات معصومین علیهم السلام، در می یابیم که اسلام نسبت به شادی و انواع آن ملاک های دقیق و محکمی دارد. هر شادی که در محدوده ی آن ملاک ها قرار گرفت شادی پسندیده و سفارش شده ای است و هر شادی که در آن چهارچوب قرار نگرفت شادی ناپسند و نکوهش شده ای است و انسان را بدبخت خواهد کرد. این ملاک ها طبق آیات و روایاتی که آمد عبارت اند از: حفظ آبرو و ارزش و کرامت و شخصیت بلند انسان؛ صرفاً دنیوی نبودن و جنبه ی آخرتی هم داشتن (شادی های دنیوی ناپایدار و ناقص هستند)؛ همراه داشتن یاد خدا در شادی (شیطانی نبودن آن)؛ لهو و بیهوده نبودن (فقط جنبه ی سرگرمی که غفلت از خدا را به همراه دارد)؛ عدم تجاوز به حقوق انسان های دیگر در آن (مثل تمسخر و استهزاء)؛ عدم خودستایی در آن با مغرور نشدن از ستایش دیگران؛ شادی نکردن هنگام ناراحتی دیگران؛ عدم شادی غرورآمیز حاصل از علم؛ بنابراین می توان به طور خلاصه گفت ملاک اصلی شادی حفظ کرامت و شخصیت انسانی است. خداوند متعال برای بندگان خود ارزش و احترام فراوانی قائل است. والاترین شخصیت را به انسان عطا فرموده و او را بر تمامی خلائق برتری داده است «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» به راستی ما فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرامی داشته و آنان را در دریا بر کشتی ها و در خشکی بر مرکب ها سوار نموده و از خوراکی های مطبوع به آنان روزی داده و

آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده ایم چنان که باید برتری بخشیده ایم. هنگام خلقت او از عظمت خلقت خود به خود تبریک گفته است: «فتبارک الله أحسن الخالقین»؟ مسلماً پروردگار انسان، هرگز نمی پسندد که بندهای از بندگانش به خاطر یک شادی زود گذر مثل غیبت، استهزاء، غرور، خودستایی یا هرگونه لهو و لعب دیگر؛ شخصیت والای خودش با بنده ی محترم دیگری را از اوج به زیر کشد (سلطان الکتابی، اعظم، ۱۳۹۶).

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۱ ق). تحف العقول عن آل ارسول (ص)، ترجمه بهزاد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- اشرفی، عباس؛ براری، سوسن (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی عوامل و انواع شادی در قران و عهدین. مطالعات قران و حدیث، سال ۵، شماره ۲، صص ۲۰۴-۱۶۹.
- اکبری، محمود (۱۳۸۵). غم و شادی در سیره معصومین، قم: نشر صفحه نگار، چاپ دوم.
- آمدی، ابوالفتوح (۱۳۷۵). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷ ش)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- خالدیان، محمد علی، ۱۳۸۵، شادمانی در قرآن، چکیده مجموعه مقالات اولین همایش ملی تفریح و شادمانی.
- دانش، شکرالله (۱۳۸۴). شادی و نشاط در متون اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۷۵). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- راوندی کاشانی، محمد (۱۳۷۶). النوادر، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- سلطان الکتابی، مرضیه؛ اعظم، صدیقه (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی جایگاه شادی در اسلام و روان شناسی. اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی، صص ۱۵-۱.
- سماک امانی، محمد رضا (۱۳۸۵). شادی در اسلام، کرج: نشر آموزش، چاپ دوم.
- شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ ق). الموسوعه القرانیه، بیروت، دارالتقريب بين المذاهب الاسلام.

- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۴). میزان، قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
- طریقه دار، ابوالفضل (۱۳۸۳). شرع و شادی، تهران: انتشارات حضور، چاپ دوم.
- عمید، حسن (۲۵۳۶ شاهنشاهی)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عبری، موسی؛ حقی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی و اجتماعی موثر بر نشاط اجتماعی زنان. جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۵، شماره اول، صص ۲۶-۱.
- قدیری، محمد (۱۳۸۹). روان شناسی شادی از منظر قران و روایات. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات، دانشگاه اصفهان.
- قران کریم
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۰). تربیت طربناک، تربیت، سال ۱۶، شماره فروردین ماه، صص ۱۴-۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). الکافی، تهران: ترجمه محمد صادق بن ابوالقاسم حسینی خوانساری.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶). بحار الانوار، تهران، اصلاحی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳ م). بحار الانوار، بیروت: نشر الوفا.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۲). میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- مهیار، رضا (بی تا)، فرهنگ ابجدی فارسی عربی، بی جا: بی نا.
- همدانی عاملی، عز الدین (۱۴۰۳ ق). نور الحقیقه و نور الحدیقه فی علم الاخلاق، نشر سیدالشهدا.